

بررسی شخصیت ادریس نبی علیه السلام و حضور او در مسجد سهله

محمود شریفی اقدم*

چکیده

حضرت ادریس علیه السلام یکی از پیامبران بزرگی است که در عراق جایگاه ویژه‌ای دارد و مقامی در مسجد سهله به نام اوست. شناخت این شخصیت بزرگ و پیامبر الهی و توجه به شخصیت سازنده او اهمیت دارد.

در این مقاله، ابتدا زندگی و جغرافیای شخصی او را مد نظر قرار داده‌ایم و در ادامه، به شخصیت او از نگاه قرآن و حدیث، و در بخش دیگر نیز به ارتباط این پیامبر با مسجد سهله و زندگی او در آنجا، سپس به صحف و معارف و علوم پرداخته‌ایم که خداوند متعال بر آن پیامبر بزرگوار نازل کرده است. همچنین به سخنان و سیره آن حضرت و دعاهایش اشاره‌ای کرده‌ایم تا جنبه‌ای گیری از آن حضرت در زندگی، به ویژه برای زائران محترم اولیای الهی، قوی‌تر شود.

واژگان کلیدی: ادریس، اخنوخ، پیامبر، مقام، صحف، سنن و دعا.

*. محقق حوزه علمیه قم.

بخش قابل ملاحظه‌ای از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام درباره سرگذشت پیامبران الهی و سخنان و مبارزات آنان با گروه‌های مختلف و ستمگران تاریخ است و این، از آن روست تا هم دلداری و تسلای خاطر برای مؤمنان باشد، به ویژه در زمان ظهور اسلام که سرانجام کار خویش را در صفحه تاریخ ببینند و هم اینکه علاوه بر سخنان گوهر بار آنان، که همه از وحی سرچشمه گرفته است، رفتار و کردار آنان نیز برای ما حجت و قابل پیروی و الگوی عملی باشند؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ﴾ (انعام: ۹۰)؛ «آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است؛ پس به هدایت [و راه] آنان اقتدا کن». بنابراین، تمام پیامبران، مورد احترام همه مسلمانان هستند و به تعبیر قرآن، فرقی میان آنان نیست:

﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (بقره: ۲۸۵).

پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است و همه مؤمنان نیز به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و می‌گویند] ما میان هیچ‌یک از پیامبران فرق نمی‌گذاریم و گفتند: ما شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا [انتظار] آمرزش تو را [داریم] و بازگشت ما به سوی تو است.

همه پیامبران الهی از آدم تا خاتم در عمل نیز الگوی خوبی برای ما هستند و گفتار و کردار آنان، برای ما حجت و قابل پیروی و مایه سعادت است.

از این رو، در این مقاله کوشیده‌ایم زندگی، سخنان و عملکرد حضرت ادریس علیه‌السلام را تبیین کنیم تا زائران محترم عتبات عالیات، بتوانند از سخنان و عملکرد او الگو گرفته، راه سعادت را در پیش گیرند.

زندگی نامه ادريس عليه السلام

ادريس عليه السلام از پیامبران الهی است که خداوند در قرآن از او نام می برد. ادريس، فرزند یارد (یرد)، فرزند مهلائیل، فرزند قینان، فرزند أنوش، فرزند شیث، فرزند آدم است و مادرش برّه نام دارد. او ۸۳۰ سال پس از هبوط حضرت آدم عليه السلام متولد شد و طبق نقلی ۳۶۰ یا ۳۶۵ سال زندگی کرد و بعثتش در کوفه، و خانه اش در مسجد سهله بود و طبق نقل هایی به آسمان چهارم صعود کرد و میان آسمان چهارم و پنجم قبض روح شد. او دو فرزند پسر داشت. برخی، محل ولادت او را سرزمین بابل (عراق)، و برخی شهر منف، که پایتخت مصر قدیم بود، ذکر کرده اند.

نام عبری آن حضرت، خنوخ و ترجمه اش اُخنوخ است. در بعضی نقل ها آمده که حکمای یونان، نام آن حضرت را «هرمس الهرامسه» یا «هرمس حکیم» گذارده اند. هرمس، لفظی عربی است و ترجمه یونانی آن، ارمیس به معنای عطارد است. برخی هم گفته اند که نام یونانی او طرمیس بوده است. بنابر روایات، علت نام گذاری آن حضرت به ادريس، کثرت اشتغال وی به درس و کتاب بوده است.

طبق بعضی روایات و تاریخ ها، حضرت ادريس نخستین کسی است که خط نوشت، جامه دوخت و علم خیاطی را تعلیم داد؛ زیرا پیش از او مردم، خود را با پوست حیوانات و برگ درختان می پوشاندند (جزایری، ۱۴۲۷ق، ص ۷۳).

آن حضرت، آموزگار و معلم بسیاری از علوم مانند: نجوم، حساب و هندسه بود. ادريس با همراهانش به مصر آمد و مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و فرمان برداری از خدای بزرگ و عزیز دعوت کرد.

مردم آن زمان به ۷۲ زبان سخن می گفتند و خدای متعال، همه آن زبان ها را به او آموخت. ادريس، سیاست، آداب تمدن و قوانین مملکتی و همچنین شیوه اداره شهرها و بنای آنها را به مردم آموخت؛ تا جایی که بر اثر تعلیمات حضرت، ۱۸۸ شهر در کره زمین بنا گردید که کوچک ترین آنها «رها» بوده است (رسولی محلاتی، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

حضرت ادریس علیه السلام همانند دیگر پیامبران الهی، مردم را به دین خدا، توحید و عبادت پروردگار متعال فرا می خواند. او مردم را به عمل صالح و زهد در دنیا و آزادی از آتش تشویق و ترغیب می کرد و آنان را طبق برنامه خاصی، به خواندن نماز و روزه گرفتن در روزهای معینی از هر ماه دعوت می کرد. همچنین حضرت، مردم را برای جهاد با دشمنان تشویق و ترغیب می کرد و دستور می داد که زکات مال را برای کمک به ضعیفان بپردازند.

یادکرد ادریس در قرآن

نام ادریس در دو آیه از آیات قرآن آمده است؛ یکی در سوره مریم و دیگری در سوره انبیا. ۱. ﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾ (مریم: ۵۶ و ۵۷)؛ «و در این کتاب از ادریس یاد کن. او بسیار راست گو، و پیامبر بود و ما او را به مقام والایی رساندیم». صدیق، به معنای شخص بسیار راست گو، تصدیق کننده آیات خداوند و تسلیم در برابر حق و حقیقت است. اما در مورد مقام بلند و والای او، که فرمود: «ما او را به مقام والایی رساندیم»، بحث است که منظور، مقام معنوی ادریس است یا بلندی مکان مادی و حسی او؛ چنان که بعضی مفسران، آن را اشاره ای به مقام معنوی و درجات روحانی و عرفانی این پیامبر بزرگ می دانند و بعضی معتقدند خداوند، ادریس را همچون مسیح علیه السلام به آسمان برد و تعبیر ﴿مَكَانًا عَلِيًّا﴾ در این آیه، اشاره به همین معناست. مرحوم علامه طباطبائی در این باره می فرماید:

مکن است از سیاق داستان هایی که در این سوره به ردیف ذکر می شود و مواهب نبوت و ولایت را که از مقامات معنوی و الهی است ذکر می کنند، استفاده کرد که مراد و منظور از ﴿مَكَانًا عَلِيًّا﴾، که خدا وی را بدان مکان رفعت داده، یکی از درجات قرب باشد؛ زیرا رفعت مکانی و صعود دادن به جایی بلند، هر چند که بلندترین مکان های متصور باشد، مزیتی به شمار نمی رود (طباطبائی، بی تا، ج ۴، ص ۶۴).

۲. ﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (انبیا: ۸۵ و ۸۶)؛ «و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را (به یاد آر) که همه از صابران بودند و ما آنان را در رحمت خود وارد ساختیم، چراکه آنها از صالحان بودند».

خداوند در این آیات، پس از بیان سرگذشت آموزنده حضرت ایوب و صبر و شکیبایی او در برابر طوفان حوادث، به مقام شکیبایی سه نفر دیگر از پیامبران الهی اشاره می‌کند و می‌گوید آن سه نفر را یاد کن؛ زیرا همه آنان از شکیبایان بودند و هر یک از آنان در طول عمرشان، در برابر دشمنان یا مشکلات طاقت‌فرسای زندگی، صبر و مقاومت کردند و هرگز در برابر این حوادث تسلیم نشدند و هر یک، الگویی از استقامت و پایداری بودند و از این رو، به بزرگ‌ترین موهبت الهی رسیدند؛ چنان‌که در ادامه می‌فرماید: «ما آنها را در رحمت خود داخل کردیم؛ چون آنان از شایستگان در درگاه الهی بودند».

یادکرد ادریس در احادیث

۱. مرحوم صدوق چنین آورده است:

ادریس علیه السلام درباره عظمت خدا فکر می‌کرد و می‌گفت: برای این آسمان‌ها و زمین‌ها و برای این خلق بزرگ و آفتاب و ماه و ستارگان و ابر و باران و همه این اشیاء، پروردگاری است که مدبر آنهاست و با قدرت خود آنها را اصلاح می‌کند. پس چرا من حق عبادت خدا را ادا نکنم؟ پس آنگاه با قومش ارتباط برقرار می‌کرد و آنان را پند می‌داد و می‌ترساند و به عبادت خالق این اشیاء دعوت می‌کرد... (صدوق، ۱۴۲۶ق، ص ۶۴، ح ۱).

۲. امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است که خداوند، فرشته‌ای از فرشتگان را که منزلت و مقامی داشت، از آسمان به زمین فرود آورد. آن فرشته نزد ادریس علیه السلام آمد و به او گفت: «پیش پروردگارت برای من شفاعت کن». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که حضرت ادریس سه شب پی‌درپی نماز خواند و سه روز آن را بدون اینکه افطار کند، روزه گرفت. سپس در سحرگاه برای آن فرشته دعا کرد و خداوند به آن فرشته، اجازه صعود به آسمان را صادر کرد. فرشته به حضرت ادریس گفت: «دوست دارم تو را حاجت‌روا سازم. پس، از من حاجتی بخواه». حضرت ادریس گفت: «ملک‌الموت را به من نشان بده که او را ببینم. شاید با او مأنوس شوم؛ زیرا با یاد او [و ترس از او] چیزی برای من گوارا نیست». پس فرشته بال‌هایش را گشود و گفت: «سوار شو». سپس او را به سوی آسمان بالا برد و ملک‌الموت را در آسمان

دنیا جست و جو کرد؛ اما به فرشته گفته شد که او (ملک الموت) بالاتر رفته است و آنها هم بالا رفتند و با او میان آسمان چهارم و پنجم روبه رو شدند. فرشته به ملک الموت گفت: «چرا گرفته‌ای؟» او گفت: «در شگفتم. من زیر عرش الهی بودم که مأمور شدم روح حضرت ادریس را میان آسمان چهارم و پنجم بگیرم». ادریس سخن او را شنید و از روی بال آن فرشته پرید و ملک الموت، همان جا روح او را گرفت؛ چنان که در فرموده خداوند چنین آمده است: «و یاد کن در این کتاب از ادریس. او بسیار راست گو، و پیامبر بود و ما او را به مقام والا و بلندی رساندیم» (ر.ک: راوندی، ۱۴۲۶ق، ص ۵۸، ح ۵۹).

مسجد سهله و ادریس علیه السلام

مسجد سهله، در دو کیلومتری شمال غرب مسجد کوفه است و از مساجدی است که قبایل عرب، آن را در قرن اول هجری بنا نهاده‌اند.

مسجد سهله پس از مسجد کوفه، از فضیلت بسیار بالایی برخوردار است و زائران قبر مطهر حضرت علی علیه السلام به آنجا و مسجد کوفه نیز مشرف می‌شوند و به راز و نیاز و اقامه نماز و دعا می‌پردازند؛ زیرا فضائل بسیار زیادی در احادیث اهل بیت علیهم السلام برای آن ذکر شده است. در برخی از آن احادیث، به حضرت ادریس هم اشاره شده است که در ادامه برخی از آنها ذکر خواهد شد. در گوشه و جنوب غربی مسجد سهله، خانه و مقام حضرت ادریس علیه السلام است که زائران در آن مقام نیز به راز و نیاز می‌پردازند و برای روح آن پیامبر والامقام، دو رکعت نماز اقامه می‌کنند و حاجات خود را از خداوند می‌خواهند.

اسماعیل بن مهران گوید که امام صادق علیه السلام به من فرمود:

إذا دخلت الكوفة فأت مسجد السهلة بيت ادریس علیه السلام الذي كان یخبط فيه ویصلی فيه،
و من دعا الله فيه بما أحبّ قضی له حوائجه و رفعه یوم القيامة مكاناً علیاً لی درجة
ادریس و أجیر من مکروه الدنيا و مکائد أعدائه (همان، ص ۶، ح ۶۴).

هر گاه به شهر کوفه رفتی، به مسجد سهله برو و در آنجا نماز بگزار و حاجت‌های دینی و دنیایی خود را از خدا بخواه؛ زیرا مسجد سهله، خانه ادریس پیامبر بوده است

که در آنجا خیاطی می‌کرد و نماز می‌گزارد و هر کس در آنجا خدا را به آنچه دوست دارد، بخواند و بخواهد، خداوند حاجت‌های او را برآورده کند و او را در قیامت، به مقام والا و بلندی همانند ادريس بالا می‌برد و از ناخوشی‌های دنیا و مکر و حيله دشمنان، امان و پناه خواهد داد.

ابوبصير هم از امام صادق عليه السلام چنین نقل کرده است که حضرت فرمود:

يا أبا محمد كَأَنِّي أرى نَزولَ القائمِ عليه السلام في مسجد السهلة بأهله وعياله، قلت يكون منزله جعلت فداك؟ قال: نعم فيه منزله ادريس، و كان منزل ابراهيم خليل الرحمن و ما بعث الله نبياً الا و قد صلّى فيه، و فيه مسكن الخضر و المقيم فيه كالمقيم في فسطاط رسول الله صلى الله عليه وآله... (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶، ح ۷)

ای ابامحمد، مثل اینکه می‌بینم امام قائم عليه السلام با اهل و عیالش در مسجد سهله در حال فرود آمدن است. عرض کردم: «فدای شما گردم، مسجد سهله منزل اوست؟» حضرت فرمود: «بله و منزل حضرت ادريس هم در مسجد سهله است و منزل حضرت ابراهيم خليل الرحمن هم آنجاست، و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، مگر آنکه در آن مسجد نماز گزارده است و آنجا محل سکونت حضرت خضر عليه السلام است و کسی که در آنجا مسکن گزیند، همانند کسی است که در خیمه رسول خدا صلى الله عليه وآله سکونت کرده است.»

در حدیث دیگری، امام صادق عليه السلام به عمّار یقظان می‌فرماید:

كان بيت ابراهيم صلوات الله عليه الذي خرج منه الى العمالقه، و كان بيت ادريس عليه السلام الذي كان يخيط فيه و فيه صخرة خضراء فيها صورة التبيين، و فيها منهاج الراكب - يعني الخضر عليه السلام... (همان، ص ۴۳۴، ح ۲).

خانه حضرت ابراهيم، که درود خدا بر او باد، آنجاست و از آن مکان راهی نبرد با قوم عمالقه شد، و خانه ادريس عليه السلام که در آن خیاطی می‌کرد هم آنجاست و در آن مسجد، سنگ بزرگ سبزی وجود دارد که صورت همه پیامبران بر آن نقش بسته است و ورود و مسکن حضرت خضر عليه السلام نیز آنجاست...

مسعودی در روایتی می گوید:

وجع الله له علم الما بين وزاده ثلاثين صحيفة وهو قوله عز وجل ﴿إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى﴾ * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى ﴿ [اعلی: ۱۹ و ۱۸] یعنی الصحف التي انزلت على هبة الله وادريس؛ (مسعودی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۶)

خداوند، دانش گذشتگان را به ادریس داد و سی صحیفه هم بر دانش گذشتگان برای او افزود و خداوند هم که در قرآن فرمود: «این گفتار در کتب و صحیفه‌های پیشین ذکر شده؛ در صحیفه‌های ابراهیم و موسی»؛ یعنی صحیفه‌هایی که بر حضرت هبه‌الله و حضرت ادریس علیه السلام نازل گردید.

در حدیثی دیگر که ابوذر از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده، چنین آمده است:

ثم قال يا اباذر أربعة من الأنبياء سريانين: آدم و ش و أخنوخ، و هو ادریس و هو أول من خط بالقلم - و نوح عليه السلام و أربعة من الأنبياء من العرب: هود و صالح و شعيب و نبيك محمد. و أول نبي من بني اسرائيل موسى و آخرهم عيسى و ستمائة نبي، قلت: يا رسول الله كم أنزل الله من كتاب؟ قال مائة كتاب و اربعة كتب، أنزل الله على شيث خمسين صحيفة، و على ادریس ثلاث صحيفه، و على ابراهيم عشرين صحيفة و أنزل التو و الإنجيل و الزبور و الفرقان... (صدوق، ۱۴۲۶ق، ص ۵۷۳، ح ۱۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای اباذر، چهار نفر از پیامبران، سریان‌ها هستند که عبارت‌اند از: آدم، شیث، اخنوخ و همان ادریس است و او نخستین کسی است که خط نوشت و حضرت نوح علیه السلام و چهار نفر از پیامبران، عرب‌ها هستند که عبارت‌اند از: هود، صالح، شعیب و پیامبر تو محمد صلی الله علیه و آله و نخستین پیامبر از بنی اسرائیل، حضرت موسی و آخرین آنها حضرت عیسی است و ششصد پیامبر هم [میان آنها مبعوث] شدند». ابوذر گفت: «عرض کردم ای رسول خدا، خداوند چند کتاب نازل کرد؟» حضرت فرمود: «۱۰۴ کتاب که خداوند، پنجاه صحیفه بر حضرت شیث نازل کرد

و سی صحیفه بر حضرت ادريس نازل فرمود و بر حضرت ابراهيم هم بیست صحیفه نازل کرد [اینها به صورت صحیفه و کاغذ بودند] و تورات و انجیل و زبور و قرآن را هم نازل کرد [به اینها به صورت کتاب بودند].»

مرحوم علامه مجلسی هم در انتهای جلد ۹۵ از بحار الانوار، می فرماید که من نسخه‌ای از صحیفه ادريس پیامبر ﷺ را که خداوند متعال بر او نازل کرده است، پیدا کردم که ابن متویه از لغت سریانی به لغت عربی نقل کرده است. از آنجا که آن صحیفه، خالی از لطافت و زیبایی نبود، علاقه‌مند شدم که آن را در اینجا بیاورم. سپس علامه از ابن متویه نقل می کند که او گفت: من این صحیفه‌ها را پس از زحمات زیاد به عربی ترجمه کردم و هر یک از آنها نام جداگانه‌ای دارد؛ مانند: صحیفه حمد، صحیفه خلق، صحیفه رزق، صحیفه معرفت و... . سپس مرحوم علامه ۲۹ صحیفه را با نام‌هایشان به زبان عربی نقل می کند که مطالبی بسیار مفید و مواعظی زیبا از معارف و علوم اسلامی را در بر دارد (ر.ک: مجلسی، بی تا، ج ۹۵، ص ۴۵۳).

امید است در فرصتی دیگر، این صحیفه به صورت کتابچه‌ای مستقل، به زبان عربی و فارسی آماده و منتشر شود؛ چنان که طبق گزارش دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، در کشورهای دیگر به زبان‌هایی مثل یونانی، لاتین و فرانسوی منتشر شده و مقالات زیادی درباره آن تنظیم، تدوین و چاپ گردیده است (ر.ک: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۳۳۶).

سید بن طاووس هم قسمت‌های مختلف و پراکنده‌ای از آن صحیفه‌ها را نقل کرده و فرموده است که هفده دسته کاغذ از صحیفه‌های حضرت ادريس را در نسخه‌ای عتیق پیدا کرده است که در خزانه کتابخانه حرم مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ بود و ابتدا و انتهای آنها از بین رفته بود. سپس وی قسمت‌هایی از آنها را در کتابش در چند فصل ذکر می کند (ر.ک: سید بن طاووس، ۱۳۷۹ش، ص ۶۳، فصل ۱۵). این صحیفه این گونه آغاز می شود:

الحمد لله الذي ابتداء خلقه بنعمته، وأسبغ عليهم ظلال رحمة، ثم فرض عليهم شكر ما أدل اليهم، و وفقهم بمنه لأداء ما فرض عليهم، و نهج لهم من سبيل هدايته يستوجبون به واسع مغفرته، فبتوفيقه قام القائمون بطاعته و بعصمته إمتنع المؤمنون من معصيته و بنعمته أول الشاكرون حق نعمته و برحمته وصل المسلمون الى رحمة... (مجلسی، بی تا، ج ۸۹، ص ۴۵۳)

حمد و سپاس برای خدایی است که خلقتش را با نعمتش آغاز کرد و بر مخلوقاتش سایه رحمتش را فراوان گردانید. سپس شکر آنچه را به آنها داده بود، واجب کرد و با خوبی و نعمت خود، آنان را موفق بر انجام آنچه بر آنان واجب کرده بود، نمود و راه هدایتش را که باعث می شد سزاوار بخشش گسترده او گردند، برای آنان باز کرد. پس به واسطه توفیق او فرمان برداران او به اطاعت او به پا خواستند و با عصمت و نگهداری او مؤمنان از معصیت او دوری جستند و به واسطه نعمت او شاگردان حق نعمت او را ادا کردند و به واسطه رحمت او مسلمانان به رحمت او رسیدند... .

صیحه دوم، صیحه خلق و سومی صیحه رزق، و چهارمی معرفت، و پنجمی عظمت، و ششمی قربت، و هفتمی جباریه است و بقیه هم عبارت اند از صیحه حول، صیحه انتقال، صیحه توکل، بعدی بدون نام، و دوازدهمی صیحه بعث و بعدی ها هم عبارت اند از: سهم الجبار، صیحه المن، صورت صیحه المن، صیحه النجاة، الافلاك، المعاصی، الانذار، الحق، المحبة، المعاد، الدنيا، البقاء، الطريق، الظلمة، الويل، القرون و العیاذ که در مجموع، ۲۹ صیحه می باشد که مطالب و معارف مختلف را در بر دارند و برای همگان مفید است.

سنن و مواظب ادریس

از موضوعات مورد توجه درباره حضرت ادریس علیه السلام، سنن آن حضرت و پندهای اوست. ابن طاووس در سعد السعود می گوید که بر کتابی که دارای چهار دسته و بسته کاغذ بود و آنها را میان موقوفات حرم طاهر، که در پشت کوفه بود، دیدم، چنین نوشته بود: «سنن حضرت ادریس که به خط عیسی [عتیق] بود و نویسنده، آن را از زبان سریانی به عربی نقل کرده بود». در قسمتی از آن چنین آمده بود:

اعلموا واستیقنوا أنّ تقوی الله هی الحکمة الكبرى والنعمة العظمی والسبب الداعی إلى الخیر والفتح لأبواب الفهم والعقل، أنّ الله لَمَّا أَحَبَّ عباده وهب لهم العقل واختصّ انبیاءه وأولیاءه بروح القدس، فکشفوا لهم عن سرائر الدیانة وحقا الحکمة، لیتهوا

ع الظلال و يتبعوا الرشاد، ليتقرر في نفوسهم أنّ الله أع أن تحيط به الأفكار أو تدرکه الأبصار او تحصله الأوهام أو تحدّه الأحوال، و أنّه المحيط بكلّ شيء والمدبّر له كما شاء، يتعقّب أفعاله ولا تدرک غاياته ولا يقع عليه تحديد ولا تحصيل ولا مشار و لا اعتبارا ولا نق ولا تفسير ولا تنتهي استطاعة المخلوقن إلى معرفة ذاته ولا علم كنهه (ابن طاووس، ۱۳۷۹ش، ص ۷۷).

بدانید و باور کنید که تقوای الهی، حکمت بزرگ و نعمت بسیار عظیم و سبب دعوت به خیر و کلید درهای فهم و عقل است؛ زیرا خداوند از آنکه بندگانش را دوست دارد، عقل را به آنان هبه کرد و پیامبران و اولیای خود را به روح القدس اختصاص داد؛ پس اسرار دیانت و حقایق حکمت را برای آنان آشکار کرد تا از گمراهی بپرهیزند، در پی رشد و هدایت باشند تا در نفس آنان تثبیت شود که خداوند، بزرگ تر از آن است که اندیشه‌ها به او احاطه پیدا کنند یا چشم‌ها او را درک نمایند و اوهم او را دریابند و حالات او را محدود کنند و او که بر همه چیز احاطه دارد و هر طور بخواهد، آنها را مدیریت می‌کند. کارهای او قابل تعقیب نیست و اهداف او درک نمی‌شود و محدودیت بر او راه ندارد و قابل دسترسی نیست و او مورد اشاره و عبرت گرفتن و سخن و تفسیر قرار نگیرد و مخلوقات، توان شناخت او و درک حقیقت او را ندارند.

در قسمتی از دسته دوم چنین آمده بود:

ادعو الله في اكثر اوقاتكم متعاضدين متألّهين في دعائكم، فأنه ان يعلم منكم التظافر والتوازر يجب دعائكم و يقبض حاجتكم و يبلغكم آمالكم و يقض عطایاه علیکم من خزائنه التي لا تفنى (همان).

خدا را در بیشتر وقت‌های خود، با همدیگر و با نیت پرستش، در دعایتان بخوانید و دعا کنید؛ زیرا اگر همیاری و پشتیبانی از شما بروز کند، خداوند دعای شما را اجابت می‌کند و حاجت شما را برآورده می‌سازد و به آرزویتان می‌رساند و هدایایش را از خزانه‌اش، که فناپذیر نیست، به شما می‌دهد.

در قسمتی دیگر از آن سنن چنین آمده است:

إذا دخلتم في الصيام فطهروا نفوسكم من كل دنس و نجس، و صوموا بقلوب خالصة صافية منزّهة عن الأفتار السيئة والهواجس المنكرة فإنّ الله سبحانه يحبس القلوب اللطخة والنّيات المدخولة، و مع صيام افواهكم من المآكل فلتصم جوارحكم من المآثم، فإنّ الله لا يرضى منكم أن تصوموا من المطاعم فقط، ولكن من المناكير كلّها والفواهش بأسرها (همان).

آنگاه که در روزه وارد می‌شوید، پس نفس‌های خود را از ناپاکی و آلودگی پاک کنید و با قلب‌های خالص و صاف و پاکیزه، از اندیشه‌های بد و زشت و خاطرات ناگوار روزه بگیرید؛ زیرا خداوند، قلب‌های آلوده و آکنده از خودپسندی و ریا را زندانی می‌کند و شایسته است با روزه‌داری، دهانتان از خوردنی‌ها، تمام اعضا و جوارح شما هم از گناهان روزه‌دار باشند؛ زیرا خداوند از اینکه فقط از خوردنی‌ها روزه باشید، از شما راضی و خشنود نمی‌شود؛ بلکه از همه منکرات و زشتی‌ها به طور تمام و کمال باید روزه باشید.

در بخش دیگری چنین می‌خوانیم:

إذا دخلتم في الصلاة فاصرفوا لها خواطرکم و افکارکم و ادعوا الله دعاءً طاهراً متفرغاً، و سلوه مصالحتکم و منافعکم بخضوع و خشوع و طاعة و استکانة و اذا رکعتم و سجدتهم فابعدوا عن نفوسکم أفكار الدنيا و هواجس السوء و أفعال الشرّ و اعتقاد المکر و مآكل السحت و العدوان و الأحقاد و اطرحوا بینکم ذلك کلّه (همان).

نگامی که وارد نماز شدید، اندیشه و خاطره و حواس خود را متوجه نماز خود کنید و خدا را با نیت پاک و پاکیزه و باتوجه بخوانید و آنچه را که مصلحت و به سود شماست، با خضوع و خشوع و متواضعانه از خدا بخواهید و هنگامی که رکوع و سجود انجام دادید، خودتان را از اندیشه دنیا و خاطرات بد و کارهای شرّ و حيله‌گری و غذاهای حرام و کینه‌ها و دشمنی دور کنید و همه آنها را از میان خود بیرون بیندازید.

در آخرین قسمت سنن این گونه آمده است:

أدوا فرائض صلوات كل يوم، وهي ثلاث: الغداة وعددها ثمان سور و كل سو تين ثلاث سجّادات بثلاث تسع يحات و عند انتصاف النهار خمس سور، و عند غروب الشمس خمس سور بسجودهنّ، هذه المكتوبة عليكم، و من زاد عليها متنفلاً فله على الله المزيد في الثواب (همان).

واجبات نماز هر روز را که در سه وقت است، انجام دهید: ۱. صبح که عدد آنها هشت سوره است، و هر دو سوره دارای سه سجده است با سه تسبیح؛ ۲. در وسط روز هم پنج سوره دارد؛ ۳. و هنگام غروب خورشید هم پنج سوره با سجده‌های آنها. اینها بر شما واجب است و هر کس به عنوان نافله بر آنها بیفزاید، خداوند بر پاداش و ثواب او می‌افزاید.

از این جملات استفاده می‌شود که در دین حضرت ادریس نیز نماز واجب بوده است؛ اگرچه کیفیت آن با نماز مسلمانان تفاوت داشته.

علاوه بر این سنن که برای حضرت ادریس نقل شده است و همه آنها مواعظ و پندهای بسیار آموزنده‌اند، سخنان و پندهای کوتاهی هم از ایشان نقل شده است که برخی از آنها از این قرارند: ۱. فرمود: «لن یسطیع أحد نیشکر الله ع نعمه بمثل الإنعام علی خلقه» (عفیف عبدالفتاح طیاره، بی‌تا، ص ۵۷)؛ «احدی نمی‌تواند شکر نعمت‌های خدا را مانند اکرام و نعمت‌بخشی به خلق او ادا کند».

۲. فرمود: «اذا دعوتهم الله سبحانه فاخلصوا النية وكذا الصيام والصلوات فافعلوا» (همان)؛ «هنگامی که خدای سبحان را می‌خوانید، نیت خود را خالص و بی‌ریا کنید. همچنین روزه و درودها را انجام دهید».

۳. فرمود: «لا تحذوا الناس علی مؤاناة الحظّ فإنّ استمتاعهم به قليل» (همان)؛ «به مردم بر آنچه از بهره داده شد، حسادت نورزید؛ زیرا بهره‌برداری آنان از آن بهره کم است».

۴. فرمود: «من تجاوز الكفاف لم یغنه شیء» (همان)؛ «کسی که قناعت نداشته باشد و از حدّ کفاف بگذرد، هیچ چیز او را بی‌نیاز نخواهد کرد».

۵. فرمود: «حياة النفس في الحكمة» (همان)؛ «زندگی و حیات نفس و جان، به حکمت و فرزاندگی است».

همچنین درباره ایشان نوشته‌اند:

وكان اخنوخ اول من خط بالقلم، وهو ادریس النبی، فاوصی ولد أن یخلصوا عبادة الله، ویستعملوا الصدق والیقین، ثم رفعه الله بعد أت له ثلاثمائة سنة (یعقوبی، ۳۸۳ش، ج ۱، ص ۱۱).

أخنوخ، نخستین کسی بود که با قلم نوشت و او همان ادریس پیامبر است. او به فرزندان سفارش کرد که پرستش خدا را خالصانه انجام دهند و صداقت و یقین را در زندگی به کار برند. خداوند او را در سیصد سالگی به آسمان‌ها برد.

دعای ادریس علیه السلام

سید بن طاووس از حسن بصری چنین نقل می‌کند که وقتی خداوند، ادریس علیه السلام را به سوی قومش مبعوث کرد، این اسما را به او آموخت و به او وحی فرستاد که آنها را مخفیانه بگو و برای قوم خود فاش نکن تا مرا با آنها بخوانند و او با آن اسما خدا را خواند و خداوند او را به جایگاه و منزلتی والا برد. سپس خداوند آن اسما را به حضرت موسی علیه السلام و سپس به حضرت محمد صلی الله علیه و آله آموخت. حضرت محمد صلی الله علیه و آله آن دعا را در جنگ احزاب خواند و پیروز شد. حسن بصری گوید: «من از دید حجاج مخفی شده بودم. خدای متعال را با آن نام‌ها خواندم. خداوند مرا کفایت کرد و او را از دسترسی به من دور داشت. شش بار آنان بر من وارد شدند و من با آن نام خدا را خواندم. لذا خدای متعال چشم‌های آنان را از اینکه مرا ببینند، بست.

راوی گفت: برای آمرزش تمام گناهان، خدا را به آن نام‌ها بخوان و سپس حاجت‌های دنیوی و اخروی خود را از او بخواه؛ زیرا خداوند انشاءالله به تو خواهد داد. آن نام‌ها چهل نام به تعداد روزهای توبه است و آن دعا این است:

۱. سبحا له إلا أنت یا رب کل شیء و وارثه؛ تو منزه هستی، معبودی جز تو نیست. ای

پروردگار همه چیز و وارث همه چیز.

۲. یا إله الألهة الرفیع جلاله؛ ای معبود معبودها که جلالتت والاست.

۳. یا الله المحمود فی کل فعاله؛ ای الله که در تمام کارهایش پسندیده و ستوده است... (سید

بن طاووس، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۴).

جمع‌بندی

متأسفانه، درباره زندگی حضرت ادریس علیه السلام موارد مبهم بسیار زیاد است؛ طوری که باید گفت: با توجه به گذشت هزاران سال از زمان حیات آن بزرگوار، به افسانه‌ها و مطالبی که درباره او در کتاب‌ها آمده است، خیلی نمی‌توان اعتماد کرد و به تعبیر مرحوم علامه طباطبائی در المیزان و کتب دیگری که به زندگی او پرداخته‌اند، منقولات قابل اعتماد نیست و بعضی روایات هم که در مورد ایشان نقل شده، اسرائیلیات است (ر.ک: علامه طباطبائی، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۱). از این رو، می‌بینیم که درباره محل تولد و زندگی، چگونگی زندگی، سال‌های زندگی و حتی در خصوص پایان زندگی و بلکه در مورد شخصیت او هم اختلاف شده است؛ به طوری که در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی چنین آمده است:

گذرابودن اشارات قرآن و کم ناخته‌بودن این پیامبر، در کنار ساختار لغوی واژه ادریس، این احتمال را که این نام، لقبی برای پیامبری با نامی دیگر بود، به میان آورده و محققان را به سوی شخصیت‌پردازی و رفع کاستی‌های داستان زندگی او با یاری‌جستن از منابع گوناگون و پیوند زدن آن با داستان زندگی برخی دیگر از شخصیت‌های دینی چون اُخنوخ، الیاس و هرمس سوق داده است (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷ش، ج ۷، ص ۳۳۰).

از این رو، در این مقاله کوشیدیم تا بیشتر از قرآن، احادیث و کتب مورد اعتماد بهره‌گیریم و مواردی را که قابل اثبات است، ذکر کنیم و از موارد و مطالب زیادی که جنبه کاربردی ندارند، پرهیزیم. در صورت نیاز و تحقیق، به منابع دیگر مثل دایرةالمعارف‌ها و کتب تاریخی و حدیثی مراجعه شود.

منابع

قرآن كريم.

١. ابن طاووس، على بن موسى (١٣٧٩ش). سعد السعود للنفوس، قم، انتشارات دليل.
٢. _____ (١٤١٤ق). مهج الدعوات، بيروت، مؤسسه اى للمطبوعات.
٣. جزائرى، سيدنعمت الله (١٤٢٧ق). النور المبين فى قصص الانبياء، قم، ذوى القربى.
٤. دائرة المعارف بزرگ اسلامى (١٣٧٧). ز. نظر كاظم موسى بجنوردى، تهران، نشر مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
٥. رسولى محلاتى، سيدهاشم (١٣٨٢). تاريخ انبياء، قم، بوستان كتاب.
٦. شيخ صدوق، محمد بن على (١٤٢٦ق). الخصال، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
٧. طباطبايى، سيدمحمدحسين (بى تا). الميزان فى تفسير القرآن، قم المقدسة، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية.
٨. عفيف، عبدالفتاح طياره (بى تا). مع الانبياء فى القرآن، بيروت، مطبعة دار الكتب.
٩. قطب راوندى، سعيد بن هبة الله (١٤٢٦ق). قصص الانبياء، قم، مؤسسه انتشارات محبين.
١٠. مجلسى، محمدباقر (بى تا). بحار الانوار، دار الكتب الاسلامية.
١١. مسعودى، على بن اى (١٣٨٤ش). اثبات الوصية، قم، مؤسسه انصاريان.
١٢. يعقوبى، احمد بن اسحاق (١٣٨٣ش). تاريخ يعقوبى، قم، انتشارات المكتبة الحيدرية.